

شاعر:
دکتر سید محمد طباطبائی

مرض شیرین!!



زندگی شیرین است
شهد گل شیرین است
قندها شیرینند
عشق، هم با همه‌ی سنگدلی
گاه، در خواب شبانگاهی فرهاد، بسی شیرین است
و عسل در نظر اهل هنر مظهر شیرینی‌هاست
داخل این همه طعم خوش و شیرین اما
چه کسی می‌گوید
قند خون شیرین است؟!
چه کسی می‌گوید
قند، با طعم خوش ثانیه‌ها همراه است؟!
اعتقاد چه کسی بر این است
زندگی، حاصل جاری شدن قند، درون رگ ماست؟!
پختن نان مرض قندی یک نانوا را
چه کسی می‌فهمد؟!
چه کسی منکر این است در این جمع بزرگ
چرک و خون، منظره‌ای تلخ ز یک حادثه‌ی شیرین است؟!
به تصاویر غریبانه من عادت دارم
به سکوت شب پروانه من عادت دارم
به صدای برش اره برقی به تن خسته‌ی یک شاخه‌ی خشکیده، عنایت دارم
چه کسی می‌گوید
قند خون شیرین است؟!
دیدن صحنه‌ی تاریک، پس از عمری نور
به خدا شیرین نیست
قصه‌ی غصه یک کودک قربانی قند
به خدا شیرین نیست
لحظه‌ی دیدن یک تخت دیالیز به زیر تن یک مادر رنجور و نحیف
به خدا شیرین نیست
چه کسی می‌گوید
قند خون شیرین است؟!
صحنه‌ی آب شدن
لحظه‌ی مردن و بی تاب شدن
تا ابد خواب شدن
شبی از صفحه‌ی شطرنج جهان مات شدن
خاک شدن
طعم تلخ مرضی شیرین است
قند خون، شیرین نیست!

